

تبیین الگوی «سبقت در تقرب» بر پایه تحلیل محتوای کیفی دعای کمیل

رامین طیاری نژاد^۱، علی حاجی خانی^۲، زهرا منصوری^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱/۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۷)

چکیده

دعا در مکتب اهل بیت (ع) ضمن داشتن کارکردهای معنوی در خودسازی‌های فردی، بستر مناسبی برای پرورش نیروهای باب اهداف اجتماعی ائمه (ع) بوده است. الگوهای نظری مؤثر در نظام رفتاری، از متون ادعیه قابل استخراج است. از این میان، عبارات «أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ» و «أَقْرَبَهُمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ» در دعای کمیل به مقامی برتر از تقرب یعنی «سبقت در تقرب» دلالت می‌دهد. بر این اساس دعای کمیل، بستر متنی مناسبی برای کشف الگوی مرتبط با تسابق در تقرب است. تبیین و ترسیم الگوی مفهومی فوق، مسئله اصلی تحقیق حاضر است که تلاش دارد با روش اکتشافی تحلیل محتوای مضمونی به آن پاسخ دهد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دعای کمیل متنی یکپارچه و دارای انسجام محتوایی است. این دعا ضمن رفع یک نقصان و مانع جدی در وادی تقرب إلى الله، مسیر سریع تری را برای سیر انسان در تقرب الهی پیشنهاد می‌کند. «مغفرت»، «عزت»، «خدمت»، «سبقت» و «قربت»، پنج مضمون محوری دعای کمیل هستند. این مضامین، نظام مفهومی کاملاً معناداری را شکل می‌دهند. «خدمت» به عنوان مفهوم کانونی دعا، یک مقام ارضی و جوارحی است. در این مقام خادم درصدد یاری‌رسانی به تحقق کاری است که مخدوم اراده انجام آن را در زمین دارد. محرومیت مؤمن از مقام خدمت، معلول «نقصان روحی ناشی از گناه» است و دستیابی به آن وابسته به «مغفرت دائم» می‌باشد. ورود مؤمن به وادی خدمت، به منزله ورود به عرصه «سبقت در تقرب» است.

واژگان کلیدی: امام علی (ع)، تقرب، خدمت، دعای کمیل، روش تحلیل محتوا.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: Muhammad.tayyari@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس تهران؛

Email: Ali.hajikhani@modares.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛

Email: Z.mansury@gmail.com

۱. مقدمه

جوامع حدیثی شیعه نسبت به مجامع روایی اهل سنت، این امتیاز را دارند که توجه گسترده‌تری به احادیثِ حاوی ادعیه و مناجات کرده‌اند. جوامع حدیثی گاهی در کنار سایر روایات، بخش‌های مستقلی را به روایات پیرامون دعا و ذکر برخی ادعیه اختصاص داده‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان به «کتاب الدعاء» در جلد دوم کتاب شریف الکافی مشتمل بر شصت باب [۲۷، ج ۲، ص ۴۶۶] و بخش عمده جلد ۹۰ و سراسر جلد ۹۱ و ۹۲ بحارالأنوار اشاره نمود [۳۰ ج ۹۰، ص ۱۴۸ و ج ۹۱، ص ۱ و ج ۹۲، ص ۲]. علاوه بر این‌ها، کتب مستقلی به بحث اذکار و ادعیه اختصاص یافته است. از قدیمی‌ترین آثار در این زمینه که در سده اول غیبت کبری نوشته شده است، کتاب «کامل‌الزیارات» است که در صد و هشت باب به ضرورت، آداب و متن زیارات پرداخته است [۶]. بنابراین توجه شیعه از ابتدا به متون روایی دعا و امثال آن، یک توجه ویژه و گسترده بوده است.

در این مکتب، دعا ضمن آنکه به‌عنوان یک «نیاز» برای انسان مطرح بوده، ظرفی برای تبیین الگوهای رفتاری و تربیتی است. الگوهای رفتاری به‌خصوص وقتی برآمده از دین باشند، برای اینکه جزو سبک زندگی قرار بگیرند، نیازمند الزاماتی هستند. یکی از الزامات این است که الگوهای رفتاری علاوه بر معقول بودن، باید در دایره گرایش‌ها و تعلقات انسان نیز قرار بگیرند. وقتی عاطفه انسان به الگویی گرایش و تعلق یابد، فرایند پذیرش و تحقق الگوهای رفتاری در حیات انسان قطعی خواهد بود. این الزام توسط ظرف دعا به بهترین وجهی تأمین می‌شود. دعا با خصوصیتی که در شکل و محتوا دارد، یک محیط عاطفی را به‌وجود می‌آورد که در این محیط با جوشش عاطفه انسان، پذیرش مضامین و حتی ملزومات دعا به‌راحتی صورت می‌پذیرد. بر همین اساس بوده که ائمه هدی (ع)، از دعا برای پرورش نیروهای باب اهداف خود و رفع خلأهای موجود بهره می‌بردند.

در این میان دعای کمیل به‌خاطر مضامین عالی و عرفانی بلند هم قوه عاقله انسان را تغذیه می‌کند و هم سرشت و عاطفه او را به‌شدت برمی‌انگیزد. عبارات «أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ» و «أَقْرَبَهُمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ» که در بخش انتهایی دعای کمیل قرار گرفته‌اند و فراتر از تقرب، مفهوم سبقت در تقرب را تداعی می‌کنند، حاکی از رفعت سقف توقع و خواسته‌های انسان در مسیر قرب الی الله است. کشف الگویی که بتواند انسان را به مقام تسابق در تقرب برساند، مسئله اصلی این پژوهش است. کشف چنین الگوی مفهومی، نگرش فراگیر تدبری نسبت به متن دعا و به‌کارگیری یک روش متن‌محور را ایجاب

می‌کند تا دعا به‌عنوان یک متن یکپارچه و پیوسته مورد مطالعه قرار گیرد و مفاهیم مختلف آن در ارتباط با همدیگر تحلیل شوند. در این صورت می‌توان تصویر روشنی از شبکه مفهومی مرتبط با مفهوم تسابق در تقرب به‌دست آورد و با تحلیل روابط آن، الگوی مرتبط با آنرا کشف نمود.

این در حالی است که در بررسی متون ادعیه، کمتر به این نوع نگرش و روش تکیه می‌شود. همین آسیب در مطالعات قرآنی نیز مشاهده می‌شود. قرآن، حاوی موضوعات متعددی است که در سراسر قرآن پراکنده شده‌اند. همین پراکندگی ظاهری، زمینه طرح شبهه انقطاع و پراکنده‌گویی قرآن و در نتیجه غیرالهی بودن آن به‌خصوص از ناحیه مستشرقان را فراهم نموده است. به‌نحوی که بعضی از مستشرقان ضمن اذعان به در اوج بودن قرآن از لحاظ هنری، اما یکپارچگی و تسلسل آنرا نفی کرده و فهم آنرا دشوار ارزیابی کرده‌اند [۲۲، ص ۲۴-۲۵]. این در حالی است که اگر با نگرش تدبری به قرآن به‌عنوان یک مجموعه پرداخته شود، نظم و ارتباط معنوی میان آیات یک سوره و حتی ارتباط بین سوره‌ها آشکار می‌شود. وجود چنین نظم و انسجام و یکپارچگی از شئون حکیم و جزو لوازم سخن حکمت‌آمیز محسوب می‌شود [۳۴، ص ۴۰۶]. به موجب اصل همتایی قرآن و اهل بیت (ع)، ادعیه صادر شده از ائمه (ع) جز حکمت نیستند [۱۱، ص ۲۱۸ و ۲۳۷] و لاجرم همچون قرآن، نظم و یکپارچگی از آن‌ها متوقع است. بنابراین آنچه اهمیت دارد، کشف چنین نظم و انسجامی در قرآن و متن ادعیه است که نیازمند روشمندی خاصی در پژوهش است. روش پژوهش باید با ویژگی نظم و یکپارچگی متن تناسب داشته باشد. روش متن‌محور تحلیل محتوای مضمونی به‌خاطر گردآوری مضامین مرتبط و تحلیل کمی و کیفی جملات حاوی آن مضامین، تا حدودی توانسته متن را از زاویه پیوستگی و یکپارچگی مورد ملاحظه قرار بدهد.

بر این اساس پژوهش حاضر بر پایه روش تحلیل محتوای مضمونی متن دعای کمیل به مسئله‌های زیر پاسخ می‌هد:

- یکپارچگی و پیوستگی متن دعای کمیل چگونه قابل تحلیل است؟
- الگوی «تسابق در تقرب» شامل چه مختصات مفهومی است؟
- یافته‌های حاصل از کشف الگوی تسابق در تقرب چه می‌باشد؟

۲. پیشینه تحقیق

به‌طور مشخص درباره مفهوم تسابق در تقرب به‌ویژه با تکیه بر دعای کمیل، پژوهشی

سامان نیافته است، اما دعای کمیل موضوع شرح بسیاری از عالمان و عارفان قرار گرفته است. صاحب الذریعه یازده اثر عربی و فارسی را در شرح دعای کمیل معرفی کرده است که همه آن‌ها در قرن سیزدهم تا اواسط قرن چهاردهم هجری قمری نوشته شده‌اند [۹، ج ۱۳، ص ۲۵۸ و ۲۵۹]؛ البته این سیر ادامه یافته و شروع جدیدتری نیز برای دعای کمیل صورت پذیرفت که از جمله می‌توان به شرح دعای کمیل نوشته حسین مظاهری و شرح دعای کمیل اثر حسین انصاریان اشاره نمود. شروع نوشته شده معمولاً مطابق گرایش‌ها و رویکردهای تخصصی شارحان، در واقع بسط و شرح فراز به فراز متن دعا در قالب دانش‌های تخصصی مثل کلام، اخلاق، فلسفه، عرفان و... می‌باشند. از خصوصیات عمده شرح‌ها و مطالعاتی که پیرامون دعای کمیل صورت گرفته است، شرح فراز به فراز و شرح واژه به واژه متن دعا است. عده‌ای با نگرش عرفانی بر وجوه و فرازهای عرفانی دعای کمیل تأکید کرده‌اند [۱۵، ج ۱۹، ص ۶۱؛ ۲۹، ج ۲، ص ۳۲۴]، عده دیگر بر ابعاد اخلاقی آن متمرکز شدند و بیشتر به عبارات اخلاقی توجه کرده‌اند [۳۳]؛ بعضی تعدد عبارات مغفرت را مورد توجه قرار داده و دعای کمیل را دعایی برای تهذیب نفس و توبه در نظر گرفته‌اند [۳۵، ج ۱، ص ۲۳۲]. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی درصدد است با واکاوی مفاهیم و فرازهای متعدد دعا در یک خط پیوسته و منسجم، به الگوپردازی مفهومی دعای کمیل بپردازد و خلأ این نوع از کار علمی درباره دعای کمیل را رفع نماید.

۳. شخصیت‌شناسی کمیل

کمیل بن زیاد نخعی الیمانی از طایفه نخع در یمن بوده است. مطابق نقل روایتی از امیرالمؤمنین (ع)، کمیل یکی از ده نفری است که امیرالمؤمنین (ع)، آن‌ها را از اصحاب ثقه و مورد اطمینان خود معرفی کرده است [۱۶، ج ۴، ص ۱۳۳]. شیخ مفید او را در شمار السابقین المقربین اصحاب امیرالمؤمنین (ع) دانسته است [۱۶، ج ۱۵، ص ۱۳۳]. همچنین نزد عرفا از اصحاب سرّ امیرالمؤمنین (ع) به شمار می‌آید که سلسله جماعتی از عارفان به او منتهی می‌شوند [۲۵، ج ۱، ص ۵۰۲]. گزارشاتی از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی کمیل هم‌پای دیگر اصحاب امیرالمؤمنین (ع) همچون مالک اشتر و صعصعه بن صوحان به خصوص در انتقاد و اعتراض به خلیفه سوم وجود دارد [۱۷، ج ۳، ص ۲۲۰ و ۲۲۱]. کمیل در دوران زمامداری امیرالمؤمنین (ع)، به فرمانداری هیت، یکی از مناطق تحت نفوذ ایشان منصوب شد. عملکرد ضعیف کمیل در مدیریت نظامی و سیاسی که

هزینه‌هایی را برای حکومت اسلامی و مردم هیت به وجود آورد، موجب شد امیرالمؤمنین(ع) طی نامه‌ای انتقادآمیز، به سرزنش او بپردازد که نه می‌تواند برطرف‌کننده نیازی از مردم شهرش باشد و نه امیر خودش را راضی کند [۳۰، ج ۳۳، ص ۵۲۲]. همین مسئله موجب شده کمیل بن زیاد به‌عنوان شخصیت بلندمقامی در عرفان و صاحب سرّ و معارف امیرالمؤمنین(ع) اما به‌لحاظ مدیریتی ضعیف شناخته و توصیف شود [۱۲، ص ۱۵۹].

۴. اهمیت و اعتبار دعای کمیل

دعای کمیل توسط شیخ طوسی ضمن اعمال ماه شعبان در کتاب مصباح‌المتجهّد نقل شده است. ایشان در ذکر سند دعا به عبارت «رُوی» بسنده کرده و لذا راویان خود را در نقل دعا بیان نکرده است [۲۱، ج ۲، ص ۸۴۴]. هرچند مجهول گذاشتن راویان در نقل روایت ممکن است به‌خاطر اشتها و رواج دعای کمیل در آن عصر بوده باشد، در عین حال قدمت و اعتبار کتاب مصباح‌المتجهّد و توجه پیوسته علمای شیعه به آن و همچنین تخصص مؤلف که خود صاحب دو کتاب از کتب اربعه شیعه می‌باشد و در کتاب‌های خود به مباحث رجالی و جمع بین روایات متعارض و رفع ناسازگاری آن‌ها پرداخته است، جایی برای تردید در اعتبار سندی دعای کمیل بازمی‌گذارد.

نکته دیگر اینکه والایی مضامین و محتوای دعای کمیل به حدی است که ولو به‌لحاظ سندی فاقد سند معتبر باشد، اما همین فحوای عمیق دعا به‌عنوان یک قرینه داخلی برای انتساب دعای کمیل به امیرالمؤمنین(ع) کفایت می‌کند. معمول این است که سند معتبر به متن اعتبار می‌دهد، اما گاهی متن چنان اعتبار و عمقی دارد که سند خود را خلق می‌کند. با مطالعه ادعیه و مناجات‌های صادر شده از امیرالمؤمنین(ع)، معلوم می‌شود صدور دعای کمیل از سنخ همان ادعیه و مناجات‌ها و بلکه بالاتر از آن‌ها است و لذا انتساب آن به امیرالمؤمنین(ع) کاملاً موجه است [۲۹، ج ۲، ص ۳۲۴ و ۳۳۹].

اهمیت دعای کمیل را می‌توان از سفارش امیرالمؤمنین(ع) به کمیل بن زیاد هنگام املا دعای دریافت. سفارش کردند به کمیل که نگذارد عمرش بدون خواندن این دعا ولو یکبار در کل عمر باشد، به پایان برسد: «يَا كَمِيلُ إِذَا حَفِظْتَ هَذَا الدُّعَاءَ فَادْعُ بِهِ كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ أَوْ فِي الشَّهْرِ مَرَّةً أَوْ فِي السَّنَةِ مَرَّةً أَوْ فِي عُمْرِكَ مَرَّةً تُكْفِ وَ تُنْصِرَ وَ تُرْزَقَ وَ لَنْ تُعْذَمَ الْمَغْفِرَةَ» [۵، ج ۲، ص ۷۰۶]؛ این سخن حاکی از ضرورت این دعا و نیاز جدی مؤمن به آن است. دعای کمیل به‌صورت ویژه‌ای توسط عالمان شیعه توصیف و تشریح شده

است. علامه مجلسی در *زادالمعاد* که از منابع نقل روایت مربوط به دعای کمیل می‌باشد، این دعا را «أفضل الأدعیه» نامیده است که امیرالمؤمنین (ع) در شب نیمه شعبان آن را به کمیل بن زیاد املا فرمودند [۳۱، ج ۱، ص ۶۰]. امام خمینی (ره) از دعای کمیل به‌عنوان یک دعای «بسیار عجیب» یاد می‌کند که «بعض فقرات دعای کمیل از بشر عادی نمی‌تواند صادر بشود» [۱۵، ج ۱۹، ص ۶۱].

۵. روش تحقیق

روش تحلیل محتوا^۱ از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی محسوب می‌شود. قلمرو عمل این روش، دایره وسیعی از ارتباطات اعم از گفتاری، شنیداری و نوشتاری را در بر می‌گیرد. روش تحلیل محتوا به تحلیل ارتباطات معنا دار می‌پردازد و لذا شامل ارتباطات عامیانه‌ای که مفاهیم در آن‌ها روشن و بدیهی هستند، نمی‌شود [۸، ص ۳۰ و ۳۳]. ذیل روش تحلیل محتوا، انواع مختلفی فنون تعریف شده که فن «تحلیل محتوای مضمونی»^۲ از پرکاربردترین آن‌ها است. این فن با تمرکز بر متن و اجزای تشکیل‌دهنده آن اعم از کلمات، جملات، پاراگراف‌ها و... به‌طور نظام‌مند سعی در تبیین و دستیابی به اندیشه‌ها، نظریه‌ها و پیام‌های موجود در یک متن دارد. در تحلیل محتوای مضمونی، سعی در یافتن هسته‌های معنی‌داری از متن است که با هم مرتبط هستند و حضور و فراوانی آن‌ها حکایت از معنایی در خصوص هدف تحقیق است [۸، ص ۱۲۰]. در تحلیل محتوای مضمونی به عنوان نوعی از روش تحلیل محتوا، تکیه محقق بیش از هر چیز دیگری، روی مضامین و محتوای پیام و متن است. در این روش محقق تلاش می‌کند به جای استفاده از مقیاس‌ها و پرسش‌نامه‌های از پیش طراحی شده، مضامین متن را مورد سنجش قرار دهد [۳۶، ص ۱۹۲ و ۱۹۳]. در تحقیق حاضر با روش تحلیل محتوای مضمونی و بر مبنای واحد روایات، جدول تحلیل محتوا ترسیم شده است. در ادامه مفاهیم اولیه تشکیل‌دهنده مضمون اصلی و مضامین فرعی بواسطه واژگان کلیدی هر روایت استخراج می‌گردند. مضمون اصلی شامل عنوانی کلیدی است که مقصود اصلی روایت را در بر می‌گیرد و مضامین فرعی نیز شامل عناوینی کلی است که در واقع تشکیل‌دهنده مضمون اصلی هستند. در گام بعدی با آوردن روایات در جدول تحلیل محتوا، جهت‌گیری‌های جملات مزبور إحصاء خواهند شد. جهت‌گیری‌ها، کلی‌ترین عنوان هر روایت است. بعد از استخراج موارد پیش‌گفته، در ادامه فرایند تحلیل محتوا،

1. Content Analysis.

2. Thematic Content Analysis (TCA).

بسامد عناصر متن مثل کلیدواژگان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و بر مبنای شناسایی بالاترین بسامدها، پیام‌های اصلی به عنوان یافته‌های پژوهشی حاصل می‌شود [۱۰، ص ۳۳]. هرچند این پژوهش در «نظام‌مند» نمودن داده‌ها و «تحلیل کمی» آن‌ها به روش تحلیل محتوای مضمونی پایبند است، در مواردی به روش «تحلیل گفتمان» به عنوان یکی از روش‌های تحلیل محتوای کیفی که نقش مکمل روش تحلیل محتوا را ایفا می‌کند، نزدیک می‌شود. در تحلیل گفتمان، بخشی از بررسی‌ها از طریق سازگاری و رابطه همنشینی کلمات با همدیگر صورت می‌گیرد که یافته‌های آن منجر به تحلیل مضمونی محتوا و در نتیجه ساخت واژگان مرکزی می‌شود [۳۶، ص ۱۵ و ۱۶].

برای پی بردن به الگوی مرتبط با مفهوم تسابق در تقرب، تمامی متن دعا با ملاحظه «أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ» و «أَقْرَبَهُمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ» تحلیل محتوا می‌شود. آنگاه بر اساس تحلیل‌های کمی و کیفی مبتنی بر داده‌های جدول تحلیل محتوا، روابط عبارات مربوط به مفهوم سبقت در تقرب با دیگر اجزای دعا به دست می‌آید. در این صورت، جایابی مفهوم مورد بحث در الگویی که از متن دعا حاصل شده است، امکان‌پذیر خواهد بود.

فرایند تحلیل محتوای مضمونی تحقیق حاضر طی دو مرحله کلی سامان یافته است؛ در مرحله اول، جدول تحلیل محتوا متشکل از سه ستون «مضمون اصلی»، «مضامین فرعی» و «جهت‌گیری اصلی» ترسیم شد. پس فرازهای دعا ذیل هر ستون قرار گرفته و بعد از تعیین جهت‌گیری‌های اصلی مبتنی بر سیاق واحد، دعا به چند مقوله کلی تقسیم می‌شود. تعیین انسجام محتوایی دعا مبتنی بر مقوله‌ها صورت می‌پذیرد.

در مرحله دوم، تحلیل‌های کمی و کیفی مبتنی بر داده‌های حاصل از جدول تحلیل محتوا و استفاده از روش تحلیل گفتمان صورت خواهد گرفت. در این مرحله برای دستیابی به خط کلی دعای کمیل، فراوانی مقوله‌ها و سایر مضامین به دست می‌آید و تحلیل‌های کیفی بر اساس داده‌های آماری شکل می‌گیرد.

۶. تحلیل محتوای مضمونی دعای کمیل

مبتنی بر روش تحقیق، بعد از مطالعه و دسته‌بندی تمام متن دعا، هشت دسته اصلی إحصاء شد. بعد از إحصاء جهت‌گیری‌های اصلی هر فراز از متن دعا، مقوله‌های کلی دعا آشکار خواهند شد. بخش‌هایی از جدول تحلیل محتوا ناظر به مقوله‌های استخراج‌شده به عنوان نمونه ذکر می‌شود.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَ خَضَعَ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ وَ دَلَّ لَهَا كُلَّ شَيْءٍ وَ بِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَ بِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَ بِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ وَ بِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ بِأَسْمَانِكَ الَّتِي غَلَبَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَ بِعِلْمِكَ الَّتِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَ يَا آخِرَ الْآخِرِينَ.					
ردیف	کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت‌گیری اصلی
A	رحمت، قوت، جبروت، عزت، عظمت، سلطان، وجه، اسماء، علم، نور و وجه، نور، قدوس، اول، آخر	فراگیری و همه‌گیری اسماء و صفات خداوند	واسعه بودن رحمت الهی	A1	تحمید خداوند
			چیرگی فراگیر قوت الهی	A2	
			غلبه فراگیر سلطه الهی	A3	
			عزت فراگیر الهی	A4	
			عظمت همه‌گیر الهی	A5	
			برتری فراگیر سلطنت الهی	A6	
			بقای خداوند	A7	
			غلبه‌یافتگی فراگیر اسماء الهی	A8	
			احاطه فراگیر علم الهی	A9	
			درخشندگی همه‌گیر نور الهی	A10	
			اولیت و آخریت قاطع الهی	A11	
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النَّعْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ كُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا					
ردیف	کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت‌گیری اصلی
B	مغفرت(۶)، ذنوب(۶)، تهتک عصمت، نزول نعمت، تغییر نعمت، حبس دعا، نزول بلا، خطا	تلاش مصرانه برای کسب مغفرت از مجموع گناهان و خطاها	تفاوت آثار گناهان گوناگون	B1	طلب مغفرت
			توأمانی طلب مغفرت جداگانه برای هر گناه و عموم گناهان	B2	
			اثر بعضی گناهان بر نبودن عصمت	B3	
			اثر بعضی گناهان بر نزول کیفر	B4	
			اثر بعضی گناهان بر دگرگونی نعمت	B5	
			اثر بعضی گناهان بر بازداشت	B6	

دعا از اجابت					
	B7	اثر بعضی گناهان بر نزول بلا			
	B8	طلب مغفرت عمومی برای همه گناهان و خطاها			
اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ					
ردیف	کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت‌گیری اصلی
C	تقرب (۲)، ذکر (۲)، شفاعت، جود، شکر	تأکید بر هدف نهایی خود مبنی بر تقرب إلى الله	امکان پذیر بودن تقرب الهی به واسطه ذکر الهی	C1	طلب قرب الهی
			جود الهی؛ لازمه نزدیک شدن به قرب الهی	C2	
			نزدیک شدن به قرب الهی؛ مستلزم شکر	C3	
أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتُ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يَسْجُنُ [يسجر] فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَحَسِبَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرَبِّيَّتِكَ					
ردیف	کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت‌گیری اصلی
D	عبد مسلم، عذاب، معصیت، رحمت، توحید، توسل، ربوبیت	امکان نجات از عذاب دوزخ با تضرع و توسل به رحمت الهی و مقام ربوبی	امکان عذاب عبد مسلم به خاطر معصیت خداوند	D1	طلب رهایی از عذاب
			رحمت و ربوبیت الهی؛ مایه نجات عبد از عذاب	D2	
			نجات از عذاب؛ مستلزم تلاش عبد در تضرع و توسل به رحمت و ربوبیت الهی	D3	
يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبَّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى يَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا يَا سَيِّدِي يَا مَنْ إِلَيْهِ مَعُولِي يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبَّ قُوَّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَأَشَدُّ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالِدَوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ					

ردیف	کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت‌گیری اصلی
E	ربّ، ذکر، خدمت (۴)، اعمال، عزم، خشیت	توسل پی در پی به خداوند برای کسب خدمت پیوسته به ساحت الهی	لزوم اصرار ورزیدن در تمسک به ربوبیت الهی با هدف بر آورده شدن خواسته‌ها	E1	طلب مقام خدمت
			نقش اسماء و صفات الهی در برآوردن خواسته‌ها	E2	
			خدمت به ساحت الهی؛ جزو مهم‌ترین خواسته‌های عبد از خداوند	E3	
<p>أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَبَادِينِ السَّالِقِينَ وَأَسْرَعَ إِلَيْكَ فِي الْمُبَارِزِينَ وَأَشْتَقُ إِلَى قَرَيْبِكَ فِي الْمُشْتَقِينَ وَأَدْنُو مِنْكَ دَنُو الْمُخْلِصِينَ وَأَخْلَفَكَ مَخَافَةَ الْمُؤَقِنِينَ وَأَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فِكِدْهُ وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيْبًا عِنْدَكَ وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ</p>					
ردیف	کلیدواژگان	مضمون اصلی	مضامین فرعی	کدگذاری	جهت‌گیری اصلی
F	سبقت، سرعت، قرب، خوف، احسن، عباد، اقرب به خدا، اخص نزد خدا	تلاش برای پیشگامی و سبقت در وادی تقرب الی الله	"مقرب‌تر بودن به خدا"؛ قلّة خواسته‌های عبد	F1	طلب سبقت در تقرب و اقرب به خدا
			لزوم تمسک عبد به ملزومات مقرب‌تر شدن	F2	

جدول ۱. تحلیل محتوای متن دعای کمیل

۷. تحلیل یافته‌های جدول تحلیل محتوا

با جاگذاری متن دعای کمیل در جدول تحلیل محتوا و احصاء جهت‌گیری‌های کلی و مضامین اصلی و فرعی فرازهای دعا، راه برای تحلیل‌های مختلف کمی و کیفی فراهم می‌شود. در روش تحلیل محتوا، از اطلاعات آماری و کمی برای تحلیل‌های کیفی استفاده می‌شود. تحلیل کمی، حاکی از شمارش فراوانی عناصر متن اعم از جهت‌گیری‌ها، مضامین و کلیدواژگان دارد [۸، ص ۱۳۱]. ابتدای یافته‌های تحلیلی کیفی به اطلاعات آماری و تحلیل‌های کمی از ویژگی‌های روش تحلیل محتوا محسوب می‌شود [۳۶، ص ۷۷]. به تعبیر دیگر، تحلیل‌های کمی، دست‌مایه پژوهشگر برای ورود روشمند به تحلیل‌های کیفی و ارائه نتایج و یافته‌ها است [۲۶، ص ۴۷]. بر این اساس، در گام اول نمودار سنجش فراوانی

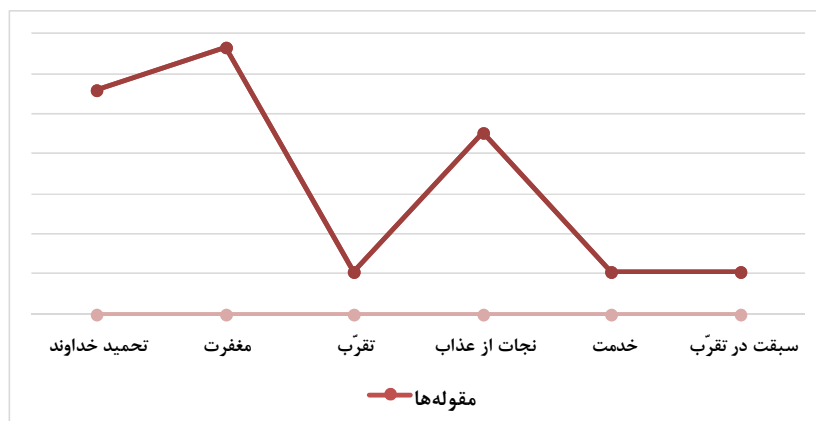
مقوله‌های متن دعا بر اساس جدول تحلیل محتوا ترسیم می‌شود.

۱.۷. مقوله‌بندی دعای کمیل

براساس احصاء جهت‌گیری‌های کلی، دعای کمیل به ترتیب بر شش مقوله یا دسته‌بندی موضوعی زیر مبتنی است:

- تحمید خداوند؛
- طلب مغفرت از گناه؛
- طلب قرب الهی؛
- طلب نجات از عذاب؛
- طلب خدمت به ساحت الهی؛
- طلب سبقت در تقرب؛

مقوله‌بندی فوق به این معناست که هر فراز و جمله‌ای از دعای کمیل، ذیل یکی از شش مقوله مزبور جانمایی می‌شود. فراوانی این مقوله‌ها در نمودار ذیل ترسیم شده است:



نمودار ۱. فراوانی مقوله‌ها

ترتیب مقوله‌ها حاکی از یک سیر منطقی و معنادار می‌باشد؛ این سیر این‌طور قابل تشریح است:

نقطه اوج یا لاقل یکی از نقاط اوج دعای کمیل را می‌توان ندهای تکرارشونده «یا رب یا رب یا رب» دانست که نه مرتبه تکرار شده‌اند. تا قبل از آغاز این فرازها، تقریباً هیچ درخواست‌ایجایی از خداوند مطرح نشده است و تأکید دعا در مرتبه اول بر معرفی

خویش به خواری و خاکساری در برابر خداوند با عبارتی چون «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي وَ تَرْحَمَنِي...» و «اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ...» می‌باشد و در مرتبه بعد طرح درخواست‌های سلبی مثل رهایی از بند گناهان و آتش دوزخ است که بخشی از عبارات آن به این صورت است: «اللَّهُمَّ عَظْمَ بِلَائِي وَ أَفْرَطَ بِي سُوءَ حَالِي وَ قَصْرَتَ بِي أَعْمَالِي وَ...» و «وَ قَدْ أَتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ إِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُتَكَسِّرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَعْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا...إِلَهِي فَاقْبَلْ عَذْرِي وَ أَرْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَ فَكِّنِي مِنْ شِدَّةِ [أَسْرٍ] وَ تَأْقِي» و «إِلَهِي سَيِّدِي وَ رَبِّي أ تُرَاكَ مُعَذِّبِي بِالنَّارِ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَ...».

بعضی از شارحان دعای کمیل به این سیر معنادار توجه داشته‌اند؛ محقق اصطهباناتی در شرح خود، دعای کمیل را به سه مقام «تخلیه»، «تحلیه» و «تجلیه» تقسیم کرده است. از نظر وی تا قبل از فراز «یا رب یا رب یا رب»، دعاکننده در «مقام التخلیه عن الرذائل و مقام التحلیه بالفضائل» قرار دارد و سپس وارد مقام «تجلیه» و انتقال از وادی غربت یا دوری از حق به وادی قربت می‌شود [۲۸، ج ۱، ص ۲۵۵]. این بیان نشان می‌دهد شرح دعا آنچه قبل از فراز «یا رب یا رب یا رب» بوده را مقدمه‌ای برای ورود به بخش‌های بعدی دعا می‌دانسته است.

بنابراین مقوله‌های «تحمید خداوند» و «طلب مغفرت از گناه» به‌عنوان دو مقدمه لازم و زمینه‌سازی برای کسب مقوله سوم یعنی «طلب قرب الهی» می‌باشند. با این حال مقوله‌های بعدی و سیر دعا حاکی از آن است که دعاکننده به مقام قرب نیز قانع نیست و در پی دستیابی به مقام بالاتری است. «مقرب‌تر شدن» یا «سبقت در تقرب» به‌عنوان هدف غایی دعاکننده مطرح است که عبارات پایانی دعا هم‌چون «حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَ أَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْمُبَارَزِينَ [المبادرین] وَ أَشْتَأَقَ إِلَيَّ قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَأَقِينَ» و نیز «وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبَادِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَ أَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ وَ أَحْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ» بر این معنا دلالت صریح دارند. بنابراین دعای کمیل، دعایی برای دستیابی به تقرب الی الله نیست، بلکه دعایی برای عروج مؤمن تا قله تقرب یعنی «مقرب‌تر شدن» است. این غایت، حاکی از تسابق مؤمنان در ارزش‌های معنوی دارد که قرآن کریم از آن به «سبقت» یاد کرده است [۱۱، ج ۲۰، ص ۵۴۷]. دستیابی به چنین مقام بالاتری، خود نیازمند دستیابی به مقام دیگری است که از آن به «مقام خدمت» تعبیر شده است. در واقع آنچه می‌تواند انسان مؤمن را فراتر از مقام قرب به مقام

«أَقْرَبَهُمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ» برساند، خدمت به ساحت الهی است که خود وابسته به سطح بالاتری از کسب مغفرت الهی است.
شکل زیر گویای سیر کلی دعای کمیل می‌باشد:



۲.۷. مفهوم و مصداق‌شناسی خدمت

با توجه به ضرورت تبیین نسبت مفاهیم کلیدی با مفهوم کانونی خدمت، لازم است مراد از خدمت تبیین شود. اصحاب لغت معمولاً خدمت را به معنای نوکری (غلام) یا کنیزی (جاریه) گرفته‌اند [۲۳، ج ۴، ص ۲۳۵؛ ۷، ج ۱۲، ص ۱۶۶]. با این حال بهترین راه برای تبیین مفاهیم دینی، جست‌وجوی موارد کاربرد آن‌ها در ادبیات دینی است. بنابراین با احصاء موارد کاربرد مفهوم خدمت در روایات، می‌توان به معنا و مصادیق آن دست یافت. از برخی روایات مثل این روایت که می‌فرماید: «إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ يَعْدِلُ الصَّلَاةَ...» [۴، ج ۱، ص ۲۰۸]، چنین به نظر می‌رسد که مراد از خدمت به خداوند در روایات، خدمت «فی‌الأرض» است؛ یعنی ظرف و فرصت دستیابی به مقام خدمت، همین دنیا است. همچنین به‌طور عام منظور همان عبادت و طاعت خداوند در انجام فرائض است. بررسی روایات بیشتر از جمله «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَعْطَى الْمُؤْمِنَ الْبَدْنَ الصَّحِيحَ وَاللِّسَانَ الْفَصِيحَ وَالْقَلْبَ الصَّرِيحَ وَكَلَّفَ كُلَّ عَضْوٍ مِنْهَا طَاعَةَ لِذَاتِهِ وَلِنَبِيِّهِ وَلِخَلْفَائِهِ فَمِنْ الْبَدَنِ الْخِدْمَةُ لَهُ وَ لَهُمْ...» [۳۰، ج ۶۴، ص ۳۰۳] و روایت «...وَأَجَّلَ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً... وَعَقَوْلْنَا عَلَى تَوْحِيدِكَ مَجْبُورَةً، وَأُرْوَاهَا عَلَى دِينِكَ مَفْطُورَةً، وَجَوَارِحَنَا عَلَى خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً...» [۲۱، ج ۱، ص ۵۹]، نشان می‌دهد که خدمت اغلب یک عمل جوارحی و مربوط به بدن است؛ کما اینکه عبارت «قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي» در دعای کمیل، مؤید همین معنا می‌باشد. روایتی از حضرت زهرا(س) خطاب به رسول خدا(ص) نقل شده است که ایشان از پدر بزرگوار خود می‌خواهند خدمت‌کاری برای ایشان معین کنند؛ توجه به مفاد این روایت، معنای خدمت در ادبیات ائمه(ع) را به‌دست می‌دهد: «...فَقَالَتْ لَهُ فَاطِمَةُ يَا أَبَتِ لَا طَاقَةَ لِي بِخِدْمَةِ الْبَيْتِ فَأَخْدَمْنِي خَادِمًا تَخْدُمُنِي وَتُعِينُنِي عَلَى أَمْرِ الْبَيْتِ...» [۳۰، ج ۴۳، ص ۱۳۴]. معلوم می‌شود خدمت به کسی، به‌معنای

یاری‌رساندن به او در امری است که قصد انجام آن را دارد. بنابراین می‌توان خدمت به خداوند را به کارگیری اعضا و جوارح بدن برای تحقق مقاصد و اهداف الهی در زمین دانست. استعمال یا به کارگیری بدن در راه اهداف الهی، جزو درخواست‌های مؤکد ائمه (ع) از خدای متعال محسوب می‌شود که در مواضع گوناگون و عمدتاً با عبارت «وَ اسْتَعْمَلِنِي» مطرح شده است. همچنان که امام سجاده (ع) در دعای مکارم‌الاخلاق درخواست می‌کند: «وَ اسْتَعْمَلِنِي بِطَاعَتِكَ فِي أَيَّامِ الْمُهِلَّةِ» و مجدداً در دعای بیست و یکم این‌طور بیان می‌کنند: «وَ اسْتَعْمِلْ بَدَنِي فِيمَا تَقَبَّلَهُ مِنِّي» [۲]؛ در این صورت استعمال بدن در راه تحقق اهداف الهی یک مفهوم عامی است که می‌تواند در شرایط مختلف و نسبت به هر شخصیتی، مصادیق گوناگون داشته باشد. مهم این است که مؤمن بتواند آنچه نسبت به شرایط او خدمت محسوب می‌شود را تشخیص دهد و عمل کند. هرچند باید توجه داشت که خدمت به خدای متعال مقامی است که دستیابی به آن ضمن کسب صلاحیت‌هایی، نیازمند توفیقی از جانب خداوند نیز می‌باشد؛ همچنان که در روایت آمده است: «...شُكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيَّ مَا وَقَفَنِي بِهِ مِنْ خِدْمَتِهِ...» [۳، ج ۱، ص ۲۸]. بنابراین می‌توان مختصات خدمت را مبتنی بر روایات ائمه (ع) چنین برشمرد:

- خدمت یک مقام ارضی و دارای «ایام مهلت» است و مهلت دستیابی به آن محدود به این دنیا است.

- خدمت یک امر جوارحی است که با به کارگیری اعضای ظاهری بدن محقق می‌شود.
- خادم درصدد یاری‌رساندن به تحقق کاری است که مخدوم اراده انجام آن را دارد.
- دستیابی به مقام خادم، فقط مشروط به کسب صلاحیت نیست و نیازمند توفیقی از جانب مخدوم است.

۳,۷. تحلیل بسامد بالای مغفرت

بر پایه نمودار شماره (۱)، «طلب مغفرت الهی» بیشترین بسامد را در دعای کمیل دارد. از این تحلیل کمی استفاده می‌شود که دستیابی به مراتب بالای قرب الهی و کسب توفیق برای «خدمت»، وابستگی اساسی به مغفرت الهی دارد. از طرفی با تکرار مغفرت در ابتدا و میانه و انتهای دعای کمیل، معلوم می‌شود التزام به مغفرت یک «التزام پیوسته» نیز می‌باشد. بر این اساس مغفرت الهی کارکرد گسترده‌تری از بخشیده شدن گناهان برای رهایی از عقاب الهی پیدا می‌کند و آن اینکه اساساً خداوند کسی را به «خدمت» می‌گیرد که توانسته باشد مغفرت الهی را به دست آورده باشد. در قرآن کریم نیز گناه

مانع موفقیت است و مغفرت، از شروط نصرت در عرصه جهاد فی سبیل الله عنوان شده است. آیه «وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَتَبَّتْ أَعْدَامُنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ»^۱ به همین کارکرد مغفرت و ارتباط آن با موفقیت و نصرت اشاره دارد [۲۴، ج ۲، ص ۲۰۲]. دقت در مفهوم مغفرت، وجه روشن تری از کارکرد آن را به دست می دهد. مغفرت از ریشه «غَفَرَ» به معنای ستر و پوشش است [۷، ج ۵، ص ۲۵]. اصل این مفهوم در ادبیات قرآنی به معنای «محو اثر» است که ستر از لوازم آن محسوب می شود. کاری که مغفرت می کند، محو اثر گناهان است [۳۲، ج ۷، ص ۲۴۱]. به موجب آیه «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا...»^۲ یکی از آثار گناهان، لغزش مؤمن در کاری است که برای خدا برعهده گرفته است [۱۹، ج ۴، ص ۵۱]. این لغزش و سستی در واقع ناشی از خلأ و نقصانی است که گناهان در روح و اراده انسان ایجاد کرده اند. کارکرد غفران، برطرف کردن این نقیصه در روح انسان است [۱۴، ص ۵۳]. در این صورت، مؤمن می تواند در خدمت انجام کاری برآید که برای خدا برعهده گرفته است.

۴.۷. تناسب تحمید خداوند با سیر کلی دعا

تحمید خداوند بعد از مغفرت، بیشترین بسامد را دارد. دعای کمیل با تحمید و ستایش خداوند آغاز شده است. از آنجا که تحمید و توصیف خداوند در واقع زمینه سازی برای عرض حاجت در بخش های بعدی دعا است [۱۸، ص ۸۰]، لذا حتماً میان نوع تحمید و نوع حاجت و بلکه کل دعا تناسبی باید برقرار باشد. تحلیل محتوای این بخش از دعا، تناسب تحمید خداوند با مجموعه دعا را در دو محور تبیین می کند:

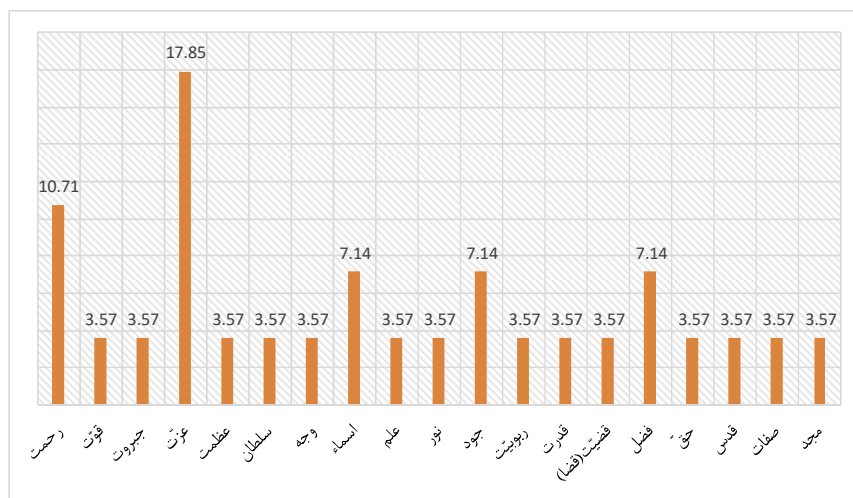
● معناداری تحمید خداوند در بخش اول دعا، از تحلیل نوع کلیدواژگان به کار رفته در این تحمید به دست می آید. همه کلیدواژگان، از نوعی فراگیری و همه گیری خدای متعال بر جمیع مخلوقات حکایت می کنند (مضمون اصلی ردیف A). مبتنی بر این بخش از دعا، خداوند بر هر چیزی چیره، غالب و محیط است (A2 و A3 و A9). احاطه خداوند بر هر چیزی، مستلزم این است که تمامی اسباب و مخلوقات عالم، قدر و اندازه محدودی داشته باشند [۱۹، ج ۱۹، ص ۳۱۵]. احاطه یافتگی خداوند و محدودیت غیر او،

۱. [آل عمران: ۱۴۷].

۲. [آل عمران: بخشی از آیه ۱۵۵].

بر حتمی بودن انجام کاری که خدا انجامش را بخواهد دلالت دارد و این مفاد این بخش از آیه شریفه است که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بِأَلْعُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^۱ [۱۹، ج ۳، ص ۳۰۲]. بنابراین در دعای کمیل با خدایی مناجات می‌شود که هم در انجام کاری که انجامش را می‌خواهد مستقل و بی‌نیاز از مخلوقات است و هم اگر انجام کاری را اراده کند، هیچ یک از اسباب عالم نمی‌توانند مانع تحقق آن شوند. از اینجا معلوم می‌شود با اینکه «خدمت به خداوند» تمنای اصلی دعاکننده در دعای کمیل است، اما این تمنا منافاتی با احاطه و غلبه‌یافتگی خداوند بر همه‌ی اسباب و مقدرات عالم ندارد و خداوند کاملاً از خدمت مخلوقات بی‌نیاز است. تمنای خدمت از سوی دعاکننده، در واقع مبتنی بر نیازمندی دعاکننده است. خدمت به ساحت الهی، پاسخی است به «نیاز تقرب» که در وجود دعاکننده وجود دارد.

● خداوند متعال در دعای کمیل، به اسماء و صفات متعددی حمد و ستایش شده است. تحلیل کمی موارد ستایش الهی و سنجش فراوانی آن‌ها، می‌تواند دستمایه‌ی خوبی برای تحلیل‌های کیفی بعدی قرار بگیرد. نمودار ذیل، تحلیل کمی مقوله‌ی تحمید خداوند در دعای کمیل را نشان می‌دهد:



نمودار ۲. فراوانی مقوله‌ی تحمید الهی

بیشترین فراوانی در میان صفاتی که خداوند با آن‌ها وصف و ستایش شده است، مربوط به «عزت» است. جالب اینکه مطابق روایات از میان همه‌ی صفات الهی، وصف عزت

۱. [الطارق: بخشی از آیه ۳].

بیشترین تناسب را با مقام خدمت دارد. در روایتی از رسول خدا(ص) نقل شده است که فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَصَعْتُ خَمْسَةً فِي خَمْسَةِ وَالنَّاسُ يُطَلَّبُونَهَا فِي خَمْسَةٍ فَلَا يَجِدُونَهَا... وَوَضَعْتُ الْعِزَّ فِي خِدْمَتِي وَالنَّاسُ يُطَلَّبُونَهُ فِي خِدْمَةِ السُّلْطَانِ فَلَا يَجِدُونَهُ...» [۳۷، ج ۱۲، ص ۱۷۳]. همچنین در روایتی امام صادق(ع) می‌فرمایند: «مَطْلُوبَاتُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْفَانِيَّةُ أَرْبَعَةٌ الْغِنَى وَالِدَعَّةُ وَقِلَّةُ الْإِهْتِمَامِ وَالْعِزُّ... وَأَمَّا الْعِزُّ فَمَوْجُودٌ فِي خِدْمَةِ الْخَالِقِ فَمَنْ طَلَبَهُ فِي خِدْمَةِ الْمَخْلُوقِ لَمْ يَجِدْهُ» [۳۰، ج ۷۰، ص ۹۳]. این روایات به روشنی نسبت میان مقام خدمت با عزت را تبیین کرده است. معلوم می‌شود خدمت به خدای متعال، عبد مؤمن را بیش از هر وصف دیگری، در کسب عزت پیش می‌برد. بنابراین ستایش خداوند به عزت در دعای کمیل با فراوانی بالا، تناسب روشنی با مقام خدمت که طریق دستیابی به سبقت در تقرب است، دارد.

۵,۷. نسبت سنجی خدمت و تقرب

نکته دیگر اینکه برابری فراوانی سه مقوله «تقرب»، «خدمت» و «سبقت در تقرب» می‌تواند حاکی از این باشد که اساساً ورود به وادی خدمت، به منزله ورود به عرصه تقرب و تسابق برای تقرب است و در همان حال که مؤمن در حال خدمت به ساحت الهی قرار دارد، مراتب تقرب الی الله را نیز یکی پس از دیگری طی می‌کند. نکته دیگری که از بسامد برابر سه مقوله استفاده می‌شود، این است که تقرب به خداوند ممکن است از راه‌های مختلفی تحقق پذیرد، اما دستیابی به مقام «أَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ» و «سبقت در تقرب» از وادی «خدمت» می‌گذرد. برخی روایات به نسبت میان خدمت و تقرب اشاره کرده‌اند. امیرالمؤمنین(ع) در روایتی می‌فرمایند: «يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ فَاجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهَا فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَادِّبْكَ يَزِيدُ فِي ثَمَنِكَ وَقَدْرِكَ فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَهْتَدِي إِلَى رَبِّكَ وَبِالْأَدَبِ تُحْسِنُ خِدْمَةَ رَبِّكَ وَبِالْخِدْمَةِ يَسْتَوْجِبُ الْعَبْدُ وِلَايَتَهُ وَقُرْبَهُ فَأَقْبَلِ النَّصِيحَةَ كَيْ تَنْجُوَ مِنَ الْعَذَابِ» [۲۰، ص ۱۳۵]. از روایت استفاده می‌شود که مؤمن به واسطه مقام خدمت به وادی ولایت و قرب الهی وارد می‌شود. نکته قابل استفاده دیگر اینکه اضافه کردن خدمت به ادب، مؤیدی است بر معنایی که از خدمت ارائه و گفته شد که خدمت بر استعمال و به‌کارگیری جوارح و اعضای ظاهری بدن متمرکز است.

۸. نتیجه‌گیری

جستار حاضر در پاسخ به سوالات پژوهش به دستاوردهای زیر دست یافته است:

(۱) هرچند فهم کارساز ادعیه صادر شده از ائمه هدی (ع) طی فرایند انس صورت می‌پذیرد، اما ارائه نظام‌مند مفاهیم دریافت شده از ادعیه و ترسیم آن‌ها در قالب الگوهای مفهومی، نیازمند به‌کارگیری روشی است که بتواند با نگرش تدبری، همه اجزای متن را پوشش بدهد. روش تحلیل محتوای مضمونی به‌عنوان یک روش متن‌محور و قرابتی که با نگرش تدبری دارد، تا حدودی توانسته است به این نیاز پاسخ بدهد. مقوله‌های شش‌گانه مستخرج از متن دعای کمیل ضمن برخورداری از روابط معنادار با همدیگر، با سیر کلی دعا نیز انسجام محتوایی دارند. تحلیل‌های کمی صورت‌گرفته از مضامین برخی از مقوله‌ها، ارتباط معنایی آن‌ها با دیگر مقوله‌ها و حتی مضامین مندرج در مقوله‌ها را نشان می‌دهد. این همه، حاکی از یک‌پارچگی متن و انسجام محتوایی آن دارد.

(۲) دعای کمیل با تشکیل نظامی از مفاهیم و مضامین به‌هم‌مرتبط، الگویی از «تسابق در تقرب» را ارائه می‌دهد. نقطه اوج در این الگو نه صرفاً تقرب إلی الله، بلکه «أَقْرَبَهُمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ» یعنی «مقرب‌تر شدن» است. دستیابی به این نقطه، با کسب توفیق ورود به «مقام خدمت» امکان‌پذیر است. مقام خدمت یک مقام ارضی است که دستیابی به آن بدون مغفرت پیوسته غیرممکن است. تحلیل مقوله «تحمید خداوند» در دعای کمیل حاکی از این است که خدای متعال کاملاً از خدمت مخلوقات بی‌نیاز است و آنچه خدمت به ساحت الهی را برای انسان مؤمن ایجاب می‌کند، نیاز انسان به «عزت» است که تنها با دستیابی به مراتبی از «قرب الهی» حاصل می‌شود.

(۳) کشف چنین الگویی در دعای کمیل که به‌دنبال تبدیل مؤمن عادی به «مؤمن خادم و ناصر» است، معلوم می‌دارد دعا در مکتب اهل‌بیت (ع)، ضمن برخورداری از کارکردهای عرفانی و معنوی در خودسازی‌های فردی، یک جنبه اجتماعی و تشکیلاتی نیز دارد. به‌نظر می‌رسد ائمه (ع) خلأ «مؤمن خادم» را از طریق ظرف دعا برطرف می‌کرده‌اند. امامان شیعه با آماده‌سازی مؤمنان برای خدمت‌گزاری در وادی ولایت حق، به این واسطه آن‌ها را به افق‌های بالاتر معنوی که همانا تسابق در تقرب إلی الله است نیز سوق می‌داده‌اند. حرکت فرد و جامعه انسانی نیازمند پشتوانه عاطفی و عقلانی توأمان است و دعا به‌خاطر آمیختگی عاطفه و عقلانیت، بهترین ابزار حرکت می‌باشد. در دعای کمیل ضمن آنکه عاطفه و عرفان موج می‌زند، علو مضامین و محتوا نیز مشهود است و لذا به بهترین وجه می‌تواند حرکت جامعه ایمانی را به سوی مقاصد والا سامان‌دهی کند.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. صحیفه سجادیه.
- [۳]. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا(ع). محقق: مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
- [۴]. _____ (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. محقق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۵]. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق). إقبال الأعمال. تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۶]. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). کامل الزیارات. محقق: عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دار المرتضویه.
- [۷]. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت، دار صادر.
- [۸]. باردن، لورنس (۱۳۷۵م). تحلیل محتوا. ترجمه: ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- [۹]. تهرانی، آقابزرگ (۱۳۵۵). الذریعه الی تصانیف الشیعه. نجف، مطبعه الغری.
- [۱۰]. جانی پور، محمد؛ شکرانی، رضا (۱۳۹۲). «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوا در فهم احادیث». پژوهش‌های قرآن و حدیث، تهران، سال ۴۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، ص ۳۳.
- [۱۱]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تسنیم. محقق: مجید حیدری فر، قم، اسراء.
- [۱۲]. _____ (۱۳۸۸). شمیم ولایت. تحقیق: محمود صادقی، قم، اسراء.
- [۱۳]. _____ (۱۳۸۹). همتایی قرآن و اهل بیت(ع). محقق: سید محمود صادقی، قم، اسراء.
- [۱۴]. خامنه‌ای، علی (۱۳۹۳). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران، صهبا.
- [۱۵]. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه نور. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س).
- [۱۶]. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۰۹ق). معجم رجال الحدیث. قم، مؤسسه الخوئی الإسلامیه.
- [۱۷]. ری شهری، محمد (۱۳۸۲). دانشنامه امیرالمؤمنین(ع). قم، دارالحدیث.
- [۱۸]. زمردیان، احمد (۱۳۷۶). علی(ع) و کمیل(شرح دعای کمیل). تهران، امیرکبیر.
- [۱۹]. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۲۰]. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۴۴). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. نجف، المكتبة الحیدریه.
- [۲۱]. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). مصباح المتهدد و سلاح المتعبد. بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
- [۲۲]. علی الصغیر، محمدحسین (۱۴۲۰ق). المستشرقون والدراسات القرآنیه. بیروت، دارالمورخ العربی.
- [۲۳]. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین. قم، هجرت.
- [۲۴]. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷). أحسن الحدیث. تهران، بنیاد بعثت.
- [۲۵]. قمی، عباس (۱۳۹۰). منتهی الآمال. تهران، مبین اندیشه.
- [۲۶]. کریپندورف، کلاوس (۱۳۷۳). «تجزیه و تحلیل محتوا». رسانه، تهران، سال ۵، شماره ۲۰، زمستان، ص ۴۷.
- [۲۷]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۲۸]. لاری اصطهباناتی، میرزا ابوالحسن (بی تا). شرح دعای کمیل. تحقیق: علی اوسط ناطقی.
- [۲۹]. محسنی، محمدعاصف (۱۳۹۴). رنگارنگ (کشکول درویشی). کابل، حوزه علمیه خاتم النبیین(ص).

- [۳۰]. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۳۱]. _____ (۱۴۲۳ق). زادالمعاد. بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- [۳۲]. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۳۳]. مظاهری، حسین (۱۳۸۹). آفاق نیایش؛ تفسیر دعای کمیل. اصفهان، اتقان.
- [۳۴]. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱). علوم قرآنی. قم، مؤسسة فرهنگی التمهید.
- [۳۵]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). والاترین بندگان. قم، نسل جوان.
- [۳۶]. نئوندورف، کیمبرلی ای (۱۳۹۵). راهنمای تحلیل محتوا. مترجمان: حامد بخشی و وجیهه جلائیان بخشنده، مشهد، جهاد دانشگاهی.
- [۳۷]. نوری، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم، مؤسسة آل البيت(ع).